

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: جهاد جلسه هشتاد و دوم تاریخ: ۸۸/۱/۱۸
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خاتم الانبياء و المرسلين سيدنا و نبينا أبي القاسم محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقية الله في الارضين واللحن على أعدائهم أجمعين.

بحث جهاد که یک موضوع بسیار مهمی از معارف اسلامی است مسئله ای است که باید آن را ایجاد کرد و اعداد کرد، مقدماتش را فراهم کرد و همیشه این مقدمات باید در جامعه زنده و حاکم باشد. همان طور که خداوند در آیه 60 سوره انفال، سوره هشتم قرآن مجید فرمود: [وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ] بنابراین جهاد مقدماتی دارد و این مقدمات را بایستی کسی که ولی امر مسلمانان است فراهم کند. پیغمبر ﷺ در زمان خودش، ائمه: در زمان خودشان و در زمان غیبت آن ها هم ولی که منصوب شده است. خلاصه بایستی مردم را اعداد و محیا کرد برای جهاد که یکی از آنها که عرض کردیم مسئله سبق و رمایه است که این هم برای عموم مردم است که باید سبق و رمایه حاکم باشد. ما در تعبیرات سبق و رمایه، خفّ و حافر و نصل داشتیمو آن خفّ و حافر مربوط به مراکب است. در آن زمان مرکب خفّ و حافر بوده است. اما مقصود مراکب بحری، مراکب فضایی و مراکب دریایی با پیچیدگی و وسعت تمام که الان وجود دارد می باشد. باید مسلمان ها - حتی ما طلبه ها، فرقی نمی کند- همه بایستی هم با مراکب زمان و هم با تجهیزات رزمی زمان آشنا باشیم. مراکب در آن زمان را خفّ و حافر می گفتند. ولی الان هم مراکب فضایی داریم که همه باید به آن آشنا باشند، به کار گرفتن آنها را یاد داشته باشند، هم مراکب بحری با وسعت و تنوعی که دارد، هم مراکب فضایی با پیچیدگی که دارد، هم مراکب بری و زمینی. اینها خفّ و حافر است. از طرفی هم نصل و تجهیزاتی که مربوط به مرکب نیست اما آن هم پیچیدگی و وسعت فراوان دارد و آشنا بودن به آنها به هر ترتیبی لازم است. ما می خواهیم مسئله سبق و رمایه را و آنچه که به آن مربوط است را امروز تمام کنیم .

در جلد 13 وسائل 20 جلدی چهار باب در سبق و رمایه بود. در این چهار باب روایات متعددی است که پیغمبر ﷺ خودشان ایجاد می کردند مراکبی را و نظارت می کردند که مسلمان ها در آن زمان مسابقه ای در خفّ و حافر در خیل، در چند جا هست «أجرى الخيل» «أجرى» معنایش این است که پیغمبر ﷺ خودشان نظارت می کردند و ایجاد می کردند و فراهم می کردند که مسلمانها به سوارکاری با اسب آشنا شوند و مسابقه بگذارند. در بعضی از روایات است که پیغمبر ﷺ

از جانب خودش و کیسه خودش آن سبق و عَوْض را عنایت می کردند. گاهی این طور بود، ایجاد می کردند و خودشان نظارت می کردند برای اینکه سوارکاری را به طور کامل یاد بگیرند. در دو خبر است که پیغمبر ﷺ خودشان نیز جزو سوارکاران بودند؛ به این دلیل که مردم فکر نکنند که پیغمبر ﷺ با آن قوه الهیه کار می کنند، بلکه با همان قوه بشریه است. در دو جا هم پیغمبر ﷺ مسبوق شدند یعنی دو نفر بر پیغمبر ﷺ سبقت گرفتند؛ یکی اعرابی بود، در این حدیث است که بر پیغمبر ﷺ سبقت گرفت و یکی دیگر زید بود. خلاصه اینها را مطالعه بفرمایید. همین طور حضور پیدا می کردند در تیراندازی. درباره این هم چند روایت داریم که پیغمبر ﷺ خودشان در مسابقات تیراندازی شرکت می کردند و گاهی آن سبق را پیغمبر ﷺ می دادند. عنایت فراوانی پیغمبر ﷺ به رمی داشتند چون کاربرد و تأثیر رمی از تأثیر سوارکاری بیشتر است. مخصوصاً در زمان ما این تجهیزات رزمی فراوان همه مربوط به رمی می شود این آیه هم [وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ] در اینجا پیغمبر ﷺ قوه را گفتند: «الان القوة هو الرمی». در این آیه شریفه که کلمه "قوه" به کار رفته یعنی "الرمی". رباط الخیل هم که معلوم است. خبری است که در این خبر درباره یک تیر پیغمبر ﷺ فرمودند که سه طائفه وارد بهشت می شوند؛ برای تشویق و ترغیب. این خبر در جلد 13 وسائل است. خبر قبیل در جلد 11 در باب 58 از ابواب جهاد عدو صفحه 107 بود « قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ارْكَبُوا وَ ارْمُوا » هم سوارکاری یاد بگیرید و هم تیراندازی. « وَ أَنْ تَرْمُوا أَحَبُّ إِلَيَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ تَرْكَبُوا » رمی تأثیر بیشتری دارد و در نزد پروردگار متعال رمی محبوب تر است « أَلَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيَدْخُلُ بِالسَّهْمِ الْوَاحِدِ الثَّلَاثَةَ الْجَنَّةَ » خداوند با یک تیر که در جهاد به کار برده می شود سه نفر را وارد بهشت می کند. اول « عَامِلِ الْحَشَبَةِ » کسی که آن تیر را ساخته یعنی کسی که روی تخته تراشکاری کرده و آن تیر را ساخته. دوم « الْمُقَوَّى بِهٖ فِي سَبِيلِ اللَّهِ » کسی که فی سبیل الله آن تیر را وسیله تقویت رزمندگان قرار داده آن را حمل و نقل کرده و در اختیار رزمندگان قرار داده. سوم « وَ الرَّأْيِي بِهٖ فِي سَبِيلِ اللَّهِ » کسی که آن تیر را به طرف دشمن پرتاب کرده است. در یک تیر سه نفر را خداوند داخل بهشت می کند اگر این کار را فی سبیل الله انجام دهند.

خبر دیگر از این چهار باب « عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَخْضُرُ الرَّمِيَّ وَ الرَّهَانَ » امام صادق ﷺ خودشان حضور پیدا می کردند در رمی و رهان که مربوط به خوف و حافر است و رمی هم مربوط به تیراندازی است. در تاریخ داریم که امام باقر ﷺ و امام صادق ﷺ در

السَّيْطَانُ، [البغضاء في الحمر والميسر] که در محرمات است. [يصدكم عن ذكر الله] خلاصه گفتند که از این دو آیه استفاده فراوان می شود که در این شکی نیست. [الميسر] هم در سه جای قرآن که دو جا در این آیه است و یکی هم در سوره بقره [الحمر والميسر قل فيها اثم كبير و منافع للناس و اثمهما اكبر من نفعهما] بنابراین کتاباً که شکی نیست. [الأضاب] یعنی آن بتهایی که برای پرستش نصب می کردند یا قربانی هایی که برای بت ها کشته می شد. [الأزلام] آن تیرهای گرویندی است. تیرهایی بود برای گرویندی و شرط بندی که به تفسیر مراجعه می کنید که آن هم یک نوع برد و باخت بود. برد و باخت به هر عنوان باشد آیه دلالت دارد بر حرمتش. بعد رفتند سراغ روایات. این روایات در جلد ۱۳ و سائل ۲۰ جلدی است. ابواب "ما یکتسب به" یعنی مکاسب محرمة. در آنجا چند باب است. یک باب در این است که میسر و قمار حرام است. یک باب است که میسر و قمار یک چیز است. و روایات فراوانی در تشدید هستند. یک باب در تحریم شطرنج است. یک باب در تحریم حضور در جلسه نرد و شطرنج و ... است. ۳۶ مرتبه کلمه ی شطرنج در این خبرها با تشدید فراوانی ذکر شده است. این به خاطر این است که در آن زمان خلفاء و سلاطین سر و کار بیشتری با شطرنج داشتند. شطرنج نه تنها یک قماربازی است بلکه در حد خودش یک هنری است. مهارت در آن یک هنری است. حالا هنر مثبت یا منفی! هنری است. این روایات در جلد ۱۳ و سائل است. ولی بنده دیگر نقل نمی کنم. در اینجا فقها بعد از توجه به آن روایات سبب و رمایه و بعد از توجه به آیات و روایات قمار یک بحث دیگر به وجود آوردند که آن بحث ۴ جور تصور می شود.

یکی هو به آلات قمار مع العوض. اینجا قدر متقین از تحریم است. آلات قمار، آلات مخصوصی است مثل نرد و ... و یکی از آنها در آن زمان شطرنج بوده. بحث این است که اگر بازی کنند با آلات قمار مع رهن رهن به همان عوض یا پول می گویند. برد و باخت در برابرش آن برنده از بازنده پول می گیرد. این شکی نیست که حرام است. معیار بردن در اینجا تقریباً شانس است. گاهی هم پول بالا می اندازند شما می گویند شیر و او می گوید خط از این قبیل بازیها زیاد بوده. خلاصه این شکی نیست که حرام است، عند العامة و الخاصة. این قسم حرام است که بازی با آلات قمار مع عوض فی البین.

دوم بازی با آلات قمار بدون رهن و عوض، شطرنج یا غیر شطرنج برای سرگرمی. برنده و بازنده ای در بین است ولی شرط کردند که پولی در بین نباشد؛ این را هم ما حرام می دانیم، ولی سنی ها اختلاف

مسافرتشان به شام در زمان هشام بن عبدالملک وقتی وارد شدند یک میدانی بود برای تیراندازی. در آن زمان مهارت در تیراندازی فضیلت بزرگی محسوب می شد. خلاصه وقتی که حضرت باقر علیه السلام وارد شدند هشام فکر می کرد که ایشان با تیر و تیراندازی آشنا نیستند و فقط با کتاب و مطالعه سر و کار دارند. به همین دلیل تیری به حضرت داد تا تیر را به هدف بزنند. به این وسیله می خواست که ایشان را از موقعیتشان پایین بیاورد. حضرت اول قبول نمی کردند بعد قبول کردند و چند تیر را دقیقاً به هدف زدند. همه اعتراف کردند که حضرت باقر علیه السلام چه قدر مهارت دارد. شما می دانید که در صحیفه سجاده دعای 27 که قبلاً بحث کردیم دعای حضرت است درباره اهل ثغور (مرزداران) دعا چقدر مفضل است چه تعبیراتی دارد. با اینکه زمان، زمان بنی امیه است ولی در عین حال امام سجاد علیه السلام برای اینکه به مردم بفهماند که آمادگی و مهارت رزمی و مرزبانان چقدر فضیلت دارند آن دعا را فرمودند. خلاصه این بحث سبب و رمایه یکی از بحثهای مهمی است که امیدوارم که عمومی و عملی شود و همه حتی ما طلبه ها هم شرکت کنیم. بعد از اینکه این بحث به این ترتیب که گفتم انجام شد فقهای ما دیدند که تعبیراتی مانند «لَا سَبَقَ إِلَّا فِي خُفٍّ أَوْ حَافِرٍ أَوْ نُصَلِّ» وجود دارد که نفی می کند سبب را یا سبب را جزء در سه چیز؛ یکی خف و حافر که مرکب است، یکی هم نصل که تیر و شمشیر و مانند اینها است. در زندگی بشر مسابقات فراوانی وجود دارد اگر نباشد که غیر از این سه چیز هیچ مسابقه دیگری مشروع نباشد چه باید کرد و از لحاظ فقهی حکم چیست؟ که به این مناسبت به جاهای دیگر رفته اند. یکی از جاهایی که تناسب داشته بحث قمار است.

ما شک نداریم که قمار یک نوع مسابقه است با آلات مخصوصی و شکی نیست که حرام است. از این جهت کتاباً، سنتاً و اجماعاً و اقوال فقها درباره قمار مطرح می شود. کتاباً ادل آیه بر این، آیه 90 تا 92 از سوره مائده سوره پنجم قرآن کریم است [يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْحُمُرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَضَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ]. [إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْحُمُرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُصَدِّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ] درباره این آیه فقهاء ما و مفسرین گفتند: این آیه از چهار جهت دلالت دارد بر تحریم. بعضی گفتند از شش جهت و بعضی تا ده جهت. علامه در منتهی تا ده جهت گفته است. [رجس] این یک دلیل بر تحریم است. [رجس] مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ این دلیل بر تحریم است. [فَاجْتَنِبُوهُ] دلیل بر تحریم است. علما از این کلمات استفاده های فراوان کردند. [لَمَّا يُرِيدُ

است. چون کسی فکر نکرده گمان می کند که این رقم کم است ولی وقتی که حساب می کند می بیند که این رقم بالاست. خلاصه امام (رضوان الله علیه) نظرشان این بود که در این زمان شطرنج از حالت قمار بودن خارج شده و در هر زمان در این که چیزی آلت قمار است یا نه، عرف آن زمان حاکم است. بعد به خدمت ایشان نوشتند که این را که شما نوشته اید یک حرف تازه ای است. ایشان فرمودند که آیت الله خوانساری هم یک این چنین حرفی دارند. آیت الله احمد خوانساری وقتی که بنده به قم آمدم مدتی هم در درس ایشان شرکت کردم. ایشان از نظر سن در ردیف آقای بروجردی بودند و از نظر فقاهاست هم بسیار بالا بودند بعد به امر آیت الله بروجردی با تواضعی که داشتند به تهران رفتند و در مسجد آقا سید عزیز الله نماز می خواندند و در آنجا درس هم می گفتند. بنده گاهی که به تهران می رفتم در آنجا هم شرکت می کردم. فقیه بسیار دقیق و بزرگواری بودند. کلام ایشان را من در اینجا نوشتم. ایشان مختصر محقق را شرح کرده اند که 5 جلد است به نام کتاب "جامع المدارک" که با همان دقت و مهارت خودشان. در کتاب جامع المدارک جلد سوم صفحه 27 ایشان دارند که درباره بعضی از چیزها که زمانی آلت قمار بودند ولی در زمان های دیگر از آلت قمار خارج شدند مثل زمان ما از جمله شطرنج. ایشان بحث می کنند چند روایت ذکر می کنند و رد می کنند؛ خلاصه ایشان می گویند که شطرنج از آلت قمار بودن در زمان ما خارج شده، پس آلت قمار نیست مثل سایر چیزها که آلت قمار نباشند و افراد مشغول باشند؛ البته بدون عوض فی البین.

بحث دیگر این است که صاحب جواهر (رحمة الله علیه) در جلد 28 که بحث سبق و رمایه آنجاست فرمودند که قسم سوم و چهارم حلال است. حتی قسم سوم که عوض در بین است. چرا؟ ایشان می گویند که ممکن است که ما از اخبار استفاده کنیم. چند مورد ذکر کردند؛ یکی درباره حسنین علیهم السلام که بحث مصارعه را ذکر کرده است. کشتی گرفتن امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام. گفته که کشتی گرفتن مسابقه است حالا عوضی هم در بین نباشد معلوم است دیگر مسابقه است. عوضی هم اگر در بین باشد بحث قلاده را پیش کشیدند. قلاده ای که حضرت زهرا علیها السلام گردن بند خودشان را به عنوان عوض دادند. این بزرگواران دو مسابقه گذاشتند یکی در خط و یکی هم در کشتی گرفتن. در آن خط مسئله قلاده را ذکر کرده است. از این جهت گفتند که قسم سوم و چهارم اگر در برابر یک شایستگی و هنری و مهارتی باشد اشکالی ندارد که عوضی در بین باشد. گفتند اگر بگویم سبق و رمایه هم نیست خودش یک معامله است هیچ چیز که نباشد یک جایزه است. امروز که این همه

دارند؛ شافعی و امثال آن حلال می دانند در «الفقه علی المذاهب الاربعه» ملاحظه کنید که اقوال ذکر کرده آنها نوعاً شطرنج را بدون عوض فی البین حلال می دانند؛ ولی ما می گوئیم با آلات قمار ولو بدون رهن و عوض حرام می دانیم.

سوم لعب (بازی کردن) بدون آلات قمار، این چه طور است؟ مثلاً دو نفر مسابقه می گذارند ولی آلات قمار در بین نیست این دو صورت می شود یکی بعوض و یکی بلا عوض این چه طور است؟ مثلاً دو نفر در نوشتن که هر کدام خطش بهتر بود بازنده فلان مقدار پول به برنده بدهد گاهی این گونه است و گاهی هم کمال و هنری در بین نیست مثلاً اگر کسی این کتاب را نصف شب روی کوه خضر قرار دهد این مقدار پول به او می دهیم و ... این را هم که برد و باخت همراه با عوض در بین است ولی با آلات قمار نیست. فقهاء ما حرام می دانند. هم آیت الله خوئی در مصباح الفقاهاه و هم امام (رضوان الله علیه) در مکاسب مجرمة، ولی دلائلشان فرق دارد. البته عوض در اینجا منظور این است که مثل سبق و رمایه عقد منعقد کنند.

چهارم این است که مسابقه ای است و لیکن بدون عوض این را هم حتی در کلمات علامه در تذکره، شیخ طوسی در خلاف و امثال اینها حرام می دانند. حال دوسه مطلب را عرض کنم. مطلب اول راجع به شطرنج، امام (رضوان الله تعالی علیه) که فرمودند شطرنج اشکالی ندارد اگر عوضی در میان نباشد. نظرشان این بود که بعضی از چیزها در زمانی آلات قمار بودند، عرف هر زمانی میزان و ملاک است، ولی در زمان ما از حالت قمار بودن خارج شده است. چون یک کار و ورزش فکری می باشد و در ضمن هنر هم است. بنده در کتاب دانش عصر فضا درباره اعداد و ارقام که بحث کردم مطلبی را نوشتم و آن این است که کسی که شطرنج را اختراع کرد این را از هندوستان پیش انوشیروان آورد وقتی که آن را نشان داد که این یک بازی است به این شکل و 64 خانه دارد و چند مهره است و گردش دادن مهره ها در این خانه ها بازنده و برنده دارد و این یک هنری است و مهارت می خواهد، انوشیروان خیلی خوشش آمد و گفت در مقابل این از من چه هدیه ای می خواهی؟ گفت که یک گندم به خانه اول بگذارید به خانه دوم دو تا به خانه سوم چهارتا، چهارم هشت تا. این 64 خانه را به این ترتیب بگردانید و حاصلش را به من بدهید. انوشیروان گفت که خوب یک گونی گندم به این بدهید این گفت خوب حساب کنید حساب کردند دیدند که اگر تمام گندم روی زمین را در تمام طول سال بدهد کافی نیست. این قدر رقم بالاست. انوشیروان گفت: که این حرف دوم شما از اختراع شطرنج بالاتر

جایزه در مسابقات فوتیبال و غیر فوتیبال است هیچ اشکالی ندارد. به خاطر این که این سبق و رمایه و عقد بین این و آن نیست به آن ترتیب، بلکه این یک جایزه است که وعده می دهند که بیایید این مسابقات را انجام دهید و به هر کس که برنده شد جایزه ای بدهند. مثلاً نهج البلاغه را حفظ کنید، قرآن را حفظ کنید کارهای مثبت خیلی زیاد است که در زندگی بشر اثر دارد که اگر بخواهیم برای اینها مسابقه ای ذکر کنیم فراوان است.

در مناقب ابن شهر آشوب جلد دوم صفحه 20 است که پیغمبر ﷺ روزی فرمودند هر کس که دو رکعت نماز بخواند و در نمازش حواسش از اول تا آخر به غیر خدا نباشد من یکی از این شترها را به او می دهم. چند مرتبه فرمودند اما هیچ کس غیر از امیر المؤمنین ﷺ داوطلب نشد (در مرتبه سوم) حضرت امیر المؤمنین ﷺ وضو گرفتند و دو رکعت نماز خواندند. معلوم است که مرد این میدان فقط باید امیر المؤمنین ﷺ باشد. نماز را که به آخر رساندند پیغمبر ﷺ فرمودند که در آخر نماز فکر شما رفت که کدامیک از این شترها چاق تر است جبرئیل امین آمد و گفت که خداوند فرمودند هر دو شتر را به ایشان بده. چون فکرشان رفت که کدام چاق تر است که در راه خدا بدهند. این در چند جا است بحار الانوار جلد دوم صفحه 612، بحار الانوار جلد 36 صفحه 161، تفسیر برهان جلد هفتم طبع جدید صفحه 304.

ما سه جور مسابقه داریم؛ یکی این که فقط شانس حاکم است که آن را شارع قبول ندارد و حرام است. دوم این که آلت قمار در کار نیست ولی یک کار سفهی حساب می شود مانند این که اگر کسی این کتاب را بر قله کوه خضر برد [لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل] اینها هم صحیح نیست. اما قسم سوم که کاری باشد با فضیلت و هنری باشد مثلاً کسی قرآن حفظ کند یا نهج البلاغه را حفظ کند و کار مثبتی باشد برای اینها قرار دادن جوایز اشکالی ندارد و این روایات هم محمول به همانجا است. این بحث مربوط به سبق و رمایه با توفیق پروردگار متعال.